

نقدی بر تصحیح تازه خزانه عامره

● مهدی رحیم پور

پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی / Mahdi_rahimpour@yahoo.com

چکیده

یکی از تذکره‌های مهم زبان و ادب فارسی تذکره *خزانه عامره*، تألیف ادیب و شاعر برجسته شبه‌قاره هند، میرغلامعلی آزاد بلگرامی است. او این کتاب در سال ۱۱۷۶ ق. در اورنگ‌آباد تألیف کرد. به‌رغم اهمیتی که این تذکره دارد، تا کنون چاپی از آن در اختیار نبوده، ولی یک باره، سه تصحیح همزمان از این تذکره صورت گرفته است که دو تصحیح از آن‌ها چاپ شده و سومی نیز در دست انتشار است. یکی از این تصحیح‌ها را منصوره تدینی انجام داده و نشر میترا آن را منتشر کرده است. این تصحیح ایرادات و اشکالاتی دارد که در این مقاله به‌گزیده‌ای از آن‌ها می‌پردازیم.

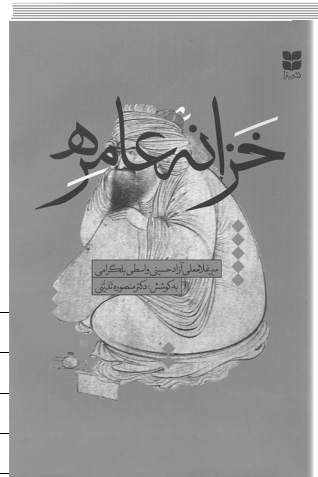
کلید واژه

خزانه عامره، آزاد بلگرامی، مقدمه، تصحیح متن، دست‌نویس شفیق اورنگ‌آبادی

مقدمه

تذکره‌نویسی یکی از موضوعات مهم قابل بررسی در تاریخ ادب فارسی در پاکستان و شبه‌قاره هند، به‌ویژه در میانه سده‌های دهم تا سیزدهم هجری است. با مروری بر منابع مربوط به بررسی سیر تذکره‌نویسی در ادب فارسی، به‌ویژه دو کتاب ارزشمند *تاریخ تذکره‌های فارسی*، به‌قلم استاد فقید احمد گلچین معانی، و *تذکره‌نویسی فارسی نگارش سید علیرضا نقوی*، به‌جایگاه تذکره‌نویسی نزد ادبا و فضایی شبه‌قاره پی می‌بریم.

یکی از تذکره‌های مهم و قابل‌اعتنای زبان فارسی در شبه‌قاره *خزانه عامره* نوشته میرغلامعلی آزاد بلگرامی (۱۱۱۶ - ۱۲۰۰ ق.) است. بدون هیچ‌گونه اغراقی اگر بخواهیم



فصلنامه نقد کتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۶۶

■ آزاد بلگرامی، میر غلامعلی، خزانه عامره،
به کوشش دکتر منصوره تدینی، تهران:
نشر میترا، ۱۳۹۳، وزیری، ۶۸۹ صفحه
شابک: ۹-۸۶-۸۴۱۷-۹۶۴-۹۷۸

پنج تذکره مهم زبان فارسی را انتخاب کنیم، یکی از آن‌ها *خزانه عامره* خواهد بود؛ به ویژه اگر موضوع بسیار مهم نقد ادبی در تاریخ ادبیات فارسی را معیار و ملاک انتخاب خود قرار دهیم، ارزش این تذکره دوچندان خواهد شد.

خزانه عامره و برخی ویژگی‌های آن

خزانه عامره پس از *ید بیضا* و *سرو آزاد* سومین تذکره شعر فارسی است که آزاد بلگرامی آن را در سال ۱۱۷۶ ق. / ۱۷۶۲ م. تألیف کرده است. این تذکره به درخواست میر محمد متخلص به ذکا و معروف به ذکای بلگرامی که ظاهراً برادرزاده آزاد بوده، تألیف شده است. یکی از محاسن مهم این اثر در مقایسه با تذکره‌های قبلی آزاد این است که معایب و کاستی‌های آن‌ها را رفع کرده و تذکره‌ای کامل‌تر و صحیح‌تر نوشته است. آزاد *ید بیضا* را در ایام جوانی و در سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۱۴۶ ق. تألیف کرد که در آن ایام، با تاریخ شعر فارسی و ضوابط و معیارهای تذکره‌نویسی عصر خود آشنایی چندانی نداشت. این اثر در اصل تقلیدی از تذکره‌های نوشته شده قبلی است. *سرو آزاد* که در سال ۱۱۶۶ ق. تألیف شده است، نسبت به *ید بیضا* اعتبار بیشتری دارد و در آن تا حدی استقلال رأی مؤلف دیده می‌شود. می‌توان گفت این اثر با این‌که هنوز به آن پختگی و استادی که در *تألیف خزانه عامره* از آزاد سراغ داریم نرسیده، باز هم یکی از تذکره‌هایی است که از نظر نقد ادبی شایسته توجه است؛ هرچند ایراداتی بعضاً اساسی در آن به چشم می‌خورد.

برخلاف دو تذکره پیشین، *خزانه عامره* تذکره‌ای کم‌نظیر است، هم از نظر احتمال بر اشعار شمار زیادی از شعرای عصر آزاد و هم از حیث نقد ادبی و طرح نظریه‌های متنوع ادبی. تنها تذکره‌ای که از جهت نقد ادبی با این تذکره قابل مقایسه است، تذکره ارزشمند مجمع النفایس است که سراج‌الدین علی خان آرزو در سال ۱۱۶۴ ق. تألیف کرده است.^۱

خزانه عامره به ذکر احوال و اشعار ۱۳۹ شاعر متقدم و متأخر هند و ایران پرداخته و ترتیب شعرا در آن الفبایی است. شرح احوال شعرا از انوری آغاز می‌شود و با میر محمد یوسف بلگرامی به پایان می‌رسد. این تذکره شامل شعرای مدیحه‌سرای فارسی است که در ازای مدحشان صلّه نیز دریافت کرده‌اند.^۲

یکی از ویژگی‌های این تذکره این است که در آن، آزاد در حد مقدور به رفع اشتباهات تذکره‌های قبلی خود و نیز دیگر تذکره‌ها، پرداخته است که حسن عباس بسیاری از آن‌ها را ذکر کرده است. (عباس، ۱۳۸۴: صص ۱۶۸-۱۷۱)

یکی دیگر از ویژگی‌های این تذکره پاسخی است که آزاد به نقد آرزو بر اشعار دیگران به‌ویژه حاکم لاهوری و حزین لاهیجی داده است. می‌دانیم که آرزو، منتقد و زبان‌شناس و سبک‌شناس برجسته تاریخ ادب فارسی، انتقاداتی را به شعرا و ادبای آن دوره وارد کرده و حتی برخی انتقاداتش را مستقلاً به صورت رساله یا کتابی درآورده است؛ نظیر تنبیه الغافلین در نقد اشعار حزین، داد سخن در نقد منیر لاهوری، سراج منیر در نقد کارنامه منیر لاهوری، و شیدای فتحپوری که نقدی منظوم بر قصیده محمدجان قدسی مشهدی است.

اگرچه برخی نقدهای آزاد به صورت رساله یا کتاب مستقلاً باقی نمانده‌اند، ولی در لابه‌لای آثار خود او یا آثار سایر تذکره‌نویسان شبه‌قاره کم‌وبیش با آن‌ها روبه‌رو هستیم؛ از جمله نقدی که بر اشعار حاکم لاهوری در حاشیه دیوان حاکم نوشته است. آزاد در خزانه عامره هم به نقد آزاد بر اشعار حاکم و هم به برخی نقدهای او بر اشعار حزین در تنبیه الغافلین پاسخ داده است.

همچنین اصلاح شعر برخی شعرا، ارائه اطلاعات نسخه‌شناختی از برخی دواوین اشعار قدیمی که تا کنون دست‌نویسی از آن‌ها پیدا نشده، و ذکر اشعار و احوال شعرابی که در کمتر منبعی نامی از آنان به میان آمده است از دیگر امتیازات مهم خزانه عامره محسوب می‌شود.

تصحیح جدید خزانه عامره

به‌رغم تمامی امتیازاتی که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم، تا چندی پیش هیچ تصحیحی از این تذکره در دست نبود و عموماً محققان از نسخه چاپ‌سنگی که در سال‌های ۱۸۷۱ و ۱۹۰۰ میلادی در هند صورت گرفته است استفاده می‌کردند، ولی یک باره، چند مصحح سه تصحیح متفاوت از این تذکره انجام دادند که دو تصحیح چاپ شده و تصحیح سوم هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. یکی از این کوشش‌ها تصحیح خانم منصوره تدینی است که به‌تازگی نشر میترا آن را روانه بازار کتاب کرده است.^۲ مصحح با استفاده از چاپ‌سنگی ۱۸۷۱ م. و یک نسخه دست‌نویس که در سال ۱۲۵۵ ق. استنساخ شده و به شماره ۸۰۱۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، اقدام به تصحیح کرده است.

کتاب با پیش‌گفتار مصحح آغاز شده است و پس از آن مقدمه‌ای در ۱۶ صفحه آمده که در آن به زندگی، استادان، شاگردان، معاصران، منتقدان، و آثار آزاد پرداخته است. همچنین در این مقدمه درباره تسلط آزاد به سه زبان و علوم مختلف، *خزانه عامره* و منابع آن، نقد ادبی در *خزانه عامره*، ادبیات تطبیقی در *خزانه عامره*، *خزانه عامره* و تاریخ هند، ماده تاریخ در *خزانه عامره*، نقاط ضعف *خزانه عامره*، نسخه‌های *خزانه عامره*، و روش تصحیح و رسم الخط نسخ مطالبی نوشته شده است.

پس از مقدمه، متن تصحیح‌شده کتاب آمده است و در انتهای متن، نمایه‌های واژگان، ماده تاریخ، اشخاص، اماکن، و کتاب‌ها ضمیمه متن شده و نهایتاً فهرست منابع ذکر شده است.

با همه تلاشی که برای ارائه متنی بهتر و نزدیک به نوشته مؤلف صورت گرفته است، اشکالاتی در خوانش متن و نیز ترتیب و توالی ابیات مندرج در تذکره دیده می‌شود که در این یادداشت به چند نمونه از آن اشاره خواهیم کرد؛ همچنین مقدمه‌ای که برای این کتاب نوشته شده است، چندان در شأن کتابی با اهمیت *خزانه عامره* نیست و مطالب مطرح شده رونوشتی است از منابع درجه سوم و گاه غیرمرتبط که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. در این جا ابتدا به بررسی مقدمه کتاب و سپس به متن آن می‌پردازیم.

الف. مقدمه اثر

آن چه مصحح در مقدمه در درباره زندگی آزاد گفته است، نقل قولی است مستقیم از مقدمه سیروس شمیسا بر کتاب *غزلان ال‌هند آزاد* - البته با ذکر مأخذ. این در حالی است که مقدمه شمیسا خود خالی از نقص و اشکال نیست. مثلاً برای بررسی احوال و اشعار آزاد به منابع کم‌اهمیت ارجاع داده شده است، یا در اسم بعضی کتاب‌ها دچار لغزش شده است؛ مثلاً نام کتاب *تحقیق السداد فی مزله الازاد* را *تحقیق السداد فی مذله الازاد* نوشته، یا نام کتاب *غزلان ال‌هند را غزلان ال‌هند* نوشته و حتی کتاب را با همین نام غلط به چاپ رسانده است و این اشتباه عیناً به مقدمه تصحیح *خزانه عامره* نیز منتقل شده و چند بار نیز تکرار شده است (صص ۱۸ و ۲۸).

این در حالی است که منابع متعدد و معتبری می‌توانست اساس پژوهش قرار گیرد؛ به‌ویژه آثار خود آزاد نظیر *خزانه عامره*، *سرو آزاد* و *مآثر الکرام*، که آزاد در آن‌ها مدخلی را به خود اختصاص داده است، حتی کتاب حسن عباس، *احوال و آثار آزاد بلگرامی*، می‌توانست در زمینه شناخت منابع مورد نیاز تا حد زیادی کمک کند که نویسنده به آن توجه نکرده است. در نظر داشته باشید کتاب حسن عباس بعد از کتاب شمیسا چاپ شده است و با مقایسه این دو کتاب می‌توان به گستردگی دامنه تحقیقات حسن عباس پی برد.

همچنین مصحح در چند جا به کتاب احوال و آثار غلامعلی آزاد بلگرامی ارجاع داده، ولی نام نویسنده را «فطرت» نوشته است؛ به عنوان نمونه صص ۲۴-۲۵. ارتباط بین حسن عباس و فطرت برای بنده معلوم نشد. تا آن جایی که بنده می دانم «سید حسن عباس» به همین نام معروف است و کتابش را نیز با همین اسم چاپ کرده و هم اکنون در دانشگاه بنارس تدریس می کند.

متأسفانه نویسنده در بحث «ماده تاریخ»، آن را «ماده تاریخ» خوانده و حتی به صورت «ماده های تاریخی» جمع بسته است. (ص ۲۶)

همچنین مصحح بحثی را درباره «روحیات آزاد» مطرح کرده است که دست کم برای بنده، قابل درک نیست. این بخش بر اساس اصطلاحات روانشناسی سعی دارد خزانه عامره را تحلیل رواشناختی کند و تأثیر روحیه آزاد بر نوع اشعار انتخابی او از دو اوین قدما را بررسی کند. عین نوشته ایشان این است:

در مورد روحیات آزاد باید گفت، او در مجموع عارف مسلک بود و همچنان که دیدیم، در اواخر عمر گوشه نشینی (متن: گوشه نشی) را انتخاب کرد. گاه در خلال ابیات منتخب او از شاعران مختلف نیز، صدای سرکوبگر و متهم کننده «فراخود» (Superego) به طوری قوی و رسا به گوش می رسد، که در جدال با «من» (Id) حتی «خود» (Ego) را نیز مورد حمله قرار می دهد؛ مثلاً از خاقانی، با آن همه خودستایی که گاه و بی گاه دارد، این ابیات را انتخاب کرده است... (ص ۲۶).

نگارنده این مقاله متوجه مفهوم و مضمون این عبارات نشده است و از میزان درک خوانندگان دیگر نیز اطلاعی ندارد. آن چه مهم است این نکته است که طرح چنین مباحثی آن هم با این روش آشفته و درعین حال گنگ و نامفهوم هیچ فایده ای در این جا ندارد و به نظر بنده نه ارتباطی با محتوای کتاب دارد و نه با مطالب مقدمه. نویسنده در ذکر «نقاط ضعف خزانه عامره»، یکی از این نقاط ضعف را رعایت نکردن تناسب در میزان ابیات نقل شده از شاعران می داند؛ با این توضیح که از آزاد از اشعار خود و برخی شاعران که از نظر نویسنده چندان اهمیتی ندارند تعداد ابیات بیشتری انتخاب کرده است، ولی از شاعران بزرگی چون رودکی، فردوسی، فرخی، حافظ، سعدی، و دیگران به ذکر ابیاتی کم و پراکنده بسنده کرده است. (صص ۲۷-۲۸) ایشان برای مستند کردن نقد خود به عبارتی از دکتر شمیسا استناد می کند که این روش را در مقدمه غزلان الیهند نکو هیده است.

نویسنده محترم که ظاهراً تحت تأثیر دیدگاه های دکتر شمیسا است، به این نکته توجه نداشته است که ذکر اشعار از شعرای گمنام و هم عصر تذکره نویسان آن هم به مقدار چشمگیر، نه تنها عیب نیست، بلکه از محاسن این نوع تذکره ها به شمار می رود. ذکر اشعار شعرای قدیمی نظیر رودکی، فردوسی، فرخی، و دیگران در یک تذکره قرن دوازدهم چه لطفی دارد؟ مگر در منابع قدیمی تر به اشعار آن ها اشاره نشده است؟

از طرفی تجربه نشان داده است، جز در مواردی بسیار اندک، ذکر اشعار قدما در تذکره‌های متأخر خالی از ایراد نبوده است. در تذکره‌هایی مانند *خزانه عامره* شاهد نام شعرا و اشعاری از آن‌ها هستیم که ممکن است جای دیگری ثبت و ضبط نشده باشند و آن تذکره تنها منبع در مورد برخی از آنان باشد.

مطلب دیگر این‌که هر تذکره‌نویسی به تناسب ذوق ادبی خود اشعار را انتخاب می‌کند و طبیعی است ذوق آزاد به شعرای معاصر خود بیشتر نزدیک است تا قدما؛ کما این‌که در اشعار خود او نیز شباهت‌های زیادی با شعرای سبک هندی می‌توان یافت. حسن هر تذکره‌ای گزینش اشعار شعرای معاصر تذکره‌نویس است و به ندرت در تذکره‌های متأخر مطالب مفیدی درباره شعرای قدیمی‌تر به چشم می‌خورد.

همچنین نویسنده در باره اشتباهات *خزانه عامره* تنها به ذکر اشتباهی که گلچین معانی به آن اشاره کرده است بسنده کرده (۱۳۶۳: جلد ۱، ص ۵۱۳)، در حالی که آزاد اشتباهات دیگری نیز دارد که حسن عباس برخی از آن‌ها را برشمرده است. (عباس، ۱۳۸۴: ص ۱۸۲-۱۸۳)

نویسنده در معرفی نسخه‌های خطی *خزانه عامره* به دو جمله گلچین معانی که آن هم هیچ ارتباطی به نسخه‌شناسی *خزانه عامره* ندارد، اکتفا کرده است. عین عبارت نویسنده و نوشته گلچین معانی چنین است:

مؤلف تاریخ تذکره‌های فارسی در پایان مطلب خود در مورد نسخه‌های این کتاب چنین می‌نویسد: «*خزانه عامره* در کانپور به چند چاپ مغلوط سنگی رسیده است، و این یادداشت را بنده از روی چاپ ۱۸۷۱ تهیه کرده‌ام که کاغذ آن زرد تیره است و عدد صفحات ۴۶۲...» (ص ۲۸).

می‌بینیم که گلچین معانی در این نوشته هرگز به نسخه‌شناسی کتاب نپرداخته و تنها اجمالاً چاپ سنگی‌ای را که در اختیارش بوده، معرفی کرده است.

این روش معرفی نسخه با هیچ معیار علمی منطبق نیست و به نظر می‌رسد مصحح محترم چندان با شیوه معرفی نسخه‌های خطی یک اثر آشنا نیست. ظاهراً ایشان حتی به فهرست‌های نسخ خطی مراجعه نکرده‌اند، وگرنه با فهرست دست‌نویس‌های متعددی از *خزانه عامره* روبه‌رو می‌شدند.

ایشان در ادامه به معرفی نسخه‌ای از *خزانه عامره* پرداخته‌اند که در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و یکی از دو نسخه مورد استفاده مصحح در تصحیح این تذکره بوده است؛ اما برخی اطلاعاتی که از این دست‌نویس ارائه داده‌اند، صحیح نیست؛ مثلاً گفته‌اند این دست‌نویس به خط شفیق اورنگ‌آبادی است، در حالی که این دست‌نویس نمی‌تواند نوشته شفیق باشد، زیرا شفیق اورنگ‌آبادی در سال ۱۲۲۳ ق. درگذشته است و تاریخ کتابت دست‌نویس مذکور ۲۵ محرم ۱۲۵۵ قمری است.

دست‌نویسی که به خط شفیق است، در سال ۱۱۷۷ ق.، یعنی یک سال پس از

تألیف تذکره و در زمان حیات آزاد استنساخ شده است و نمونه‌ای از خط آزاد، هم در آن دیده می‌شود. شاید دست‌نویس دانشگاه تهران از روی دست‌نویس ۱۱۷۷ ق. نوشته شده باشد که معرفان نسخه با بی‌دقتی چنین تصور کرده‌اند که نسخه دست‌خط شفیق است.^۴

صرف نظر از این نسخه، حسن عباس فهرستی از نسخه‌های خطی خزانه عامره فراهم کرده است و ۳۶ دست‌نویس از این تذکره را که در کتابخانه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شوند برشمرده است (عباس، ۱۳۸۴: صص ۱۸۵-۱۸۸)؛ ولی متأسفانه مصحح محترم به معرفی یک دست‌نویس و یک چاپ‌سنگی بسنده کرده است. نکته دیگر درباره معرفی چاپ‌سنگی این‌که، هنگام معرفی یک نسخه چاپ‌سنگی که در تصحیح مورد استفاده قرار گرفته است، ذکر کتابخانه محل نگهداری آن نسخه ضرورتی ندارد؛ چه، چاپ‌سنگی برخلاف نسخه خطی با شمارگان بیشتری چاپ می‌شده و طبیعتاً آن چاپ به کتابخانه‌ها و مجموعه‌های متعددی راه می‌یافته است؛ بنابراین، این‌که مصحح مکرراً از نسخه چاپ‌سنگی، با عنوان نسخه موجود در کتابخانه مجلس نام برده است ضرورتی ندارد و تنها تاریخ و محل چاپ کتاب کافی است.

ب. متن

در این تصحیح به دلیل دسترسی نداشتن مصحح به نسخه‌ای مضبوط و معتبر بدخوانی‌هایی رخ داده است. هم چاپ‌سنگی و هم نسخه خطی که تصویر آن در اختیار مصحح قرار داشته است اغلاطی دارد که به متن کتاب نیز وارد شده است. قدیمی‌ترین دست‌نویس خزانه عامره که تاکنون شناسایی شده نسخه‌ای است که لچهمی ناراین شفیق اورنگ‌آبادی (۱۱۵۸-۱۲۲۳ ق.)^۵ که از شاگردان معروف آزاد بلگرامی است در سال ۱۱۷۷ ق.، یعنی یک سال پس از تألیف تذکره، آن را کتابت کرده است. این دست‌نویس در کتابخانه مرکز میکروفیلم نور نگهداری می‌شود و ظاهراً شماره‌ای ندارد. در یکی از صفحات میانی این دست‌نویس یادداشتی به قلم آزاد بلگرامی می‌بینیم که نوشته است: «خزانه عامره تألیف فقیر حقیر آزاد حسینی الواسطی البلگرامی نوشته عزیزالقدر لالالچهمی ناراین اورنگ‌آبادی ۲۵ رجب المرجب سنة ۱۱۷۷ قلمی شد.»

طبق یادداشت ابتدایی نسخه، مهدی خواجه پیری، مدیر مرکز میکروفیلم نور، این دست‌نویس را در سال ۱۳۸۴ ق. خریداری کرده است. این دست‌نویس یک سال پس از تألیف کتاب و در محل زندگی آزاد، اورنگ‌آباد، کتابت شده است و به دلیل نسبت استاد و شاگردی بین مؤلف و کاتب، و این‌که نسخه در زمان حیات آزاد و در همان شهری که آزاد زندگی می‌کرده کتابت شده است، اعتبار ویژه‌ای دارد؛^۶ زیرا در صورت به وجود آمدن مشکلی احتمالاً کاتب به خود مؤلف مراجعه می‌کرد.

دست‌نویس مهم دیگری که از خزانه عامره موجود است دست‌نویس شماره ۶۸۵ ایندیا آفیس بریتانیا است که به خط محمد معرفت بن محمد بولاقی در سال

۱۱۸۲ق. کتابت شده است (Ete, ۱۹۰۳: ۱/۳۵۳). این نسخه شش سال پس از تألیف کتاب و در زمان حیات آزاد بلگرامی، و آن نیز در اورنگ‌آباد کتابت شده است. در این دست‌نویس یادداشت‌هایی از مؤلف دیده می‌شود که به نظر می‌رسد در طی شش سال (۱۱۷۶-۱۱۸۲ق.) بر متن تذکره افزوده شده باشد؛ این یادداشت‌ها منحصر به همین دست‌نویس است.

نگارنده این مقاله برای بررسی متن تصحیح شده *خزانه عامره*، آن را با دست‌نویس ۱۱۷۷ق. (شفیق اورنگ‌آبادی) مقابله کرده و اختلافات آن دو را که بسیاری از آن‌ها حاصل بدخوانی از روی چاپ‌سنگی بوده، در حاشیه یادداشت کرده است؛ همچنین در صورت لزوم، به نسخه ایندیا آفیس نیز مراجعه کرده است. البته به دلیل حجم بالای کتاب، از مقابله همه کتاب صرف‌نظر، و تنها دیباچه کتاب و حرف الف برای مقابله انتخاب شده است.

نمونه‌ها:

- صفحه ۳۵: ... اهلیت او که مادحان خاندان والا، صلۀ ارجمند نجات آموختند... صورت درست دو واژه مشخص شده به ترتیب «اهل بیت» و «اندوختند» است. در چاپ‌سنگی نیز به این صورت ضبط شده است.
- همان‌جا: الّا نقش سخن... که از آسیب کذلک فنا مصون است. به جای «کذلک» باید «گزلك» نوشت. (آزاد بلگرامی، دست‌نویس ۱۱۷۷ق، گ ۱پ). گزلك به معنای کارد کوچک دسته دراز است. (برهان قاطع) کذلک در این جمله معنایی ندارد.
- صفحه ۳۶: مضمون یاران نشود که منشاء تذکره صلات از دوستی و کرم طلبی است. به جای «از دوستی»، باید «زردوستی» نوشت؛ چون *خزانه عامره* تذکره شعرابی است که از ممدوحان خود صله دریافت کرده‌اند، بنابراین، آزاد در این جا می‌گوید که منبع و منشأ تذکره‌اش «زردوستی» و «کرم طلبی» شعراست. منظور از تذکره صلات در این جا ظاهراً *خزانه عامره* است.
- صفحه ۳۷: گوهر غلطانم از ابتدال مصون، بلال ناتوانم، قدر من روزافزون. واضح است که «بلال» در این جا هیچ معنی‌ای ندارد و صورت درست «هلال» است.
- صفحه ۳۸: سیدمحمد برزنجی مدتی در بعض رسائل خود آورده... نام صحیح این شخص «سیدمحمد برزنجی مدنی» است. (آزاد بلگرامی، دست‌نویس ۱۱۷۷ق، گ ۲پ) او فرزند سیدعبدالرسول و از سادات حسنی است که در ۱۰۴۰ق. در شهر زور (منطقه‌ای در ناحیه غرب ایران بین همدان و اربیل) متولد شد و در سال ۱۱۰۳ق. در ۶۳ سالگی درگذشت. او صاحب آثاری چون *الضواوی علی صبح فاتحه الكتاب*، *الاشاعة لا شراط الساعة*، *نواقض الرفاوض*، و *مرقاة الصعود فی تفسیر اوائل العقود* است. (نک: مدرس تبریزی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۴۶)

● صفحه ۳۸: لکن چون اسماء الله توفیقی است، اطلاق شاعر بر ذات متعالی نتوان کرد. به جای «توفیقی»، «توقیفی» باید نوشت. در دست‌نویس شفیق نیز به درستی توقیفی ضبط شده است. (آزاد بلگرامی، دست‌نویس ۱۱۷۷ق، گ ۲پ) توقیفی اصطلاحی است فقهی. مرحوم همایی در حاشیه مصباح الهدایه می‌نویسد: «اسماء الله نزد اشاعره برخلاف معتزله توقیفی است، بدین معنی که جایز نیست خداوند را به اسماء و صفاتی بنامند یا بخوانند که در شرع وارد نشده است. امام محمد غزالی... گوید اسماء ذات توقیفی است و اسماء صفات قیاسی.» (همایی، ۱۳۲۵: ص ۲۴ متن)

● صفحه ۳۹: از عهد سلطان محمود تا زمان موجود، رتبه شعر فارسی از کجا به کجا رسید

بعد از کجا حرف ربط «تا» جا افتاده است. «از کجا تا به کجا» صحیح است.

● صفحه ۴۱: نام صحیح نویسنده تذکره نصرآبادی، میرزا طاهر نصرآبادی است، که به اشتباه، نصیرآبادی نوشته شده است. البته در چاپ‌سنگی هم این اشتباه رخ داده است، ولی با توجه به شهرت زیاد این تذکره و نویسنده‌اش، توقع می‌رود در متن تصحیح شده این اشتباه رخ ندهد. غیر از این مورد، در چند جای دیگر نیز این اشتباه تکرار شده است. در غالب دست‌نویس‌ها همان نصرآبادی ضبط شده است.

● صفحه ۴۳: در ضبط نام عبدالعزیز لنبانی سهوی رخ داده و به صورت عبدالعزیز لنبانی نوشته شده است. این اشتباه در صفحه ۴۵ نیز رخ داده است. گفتنی است رفیع‌الدین عبدالعزیز لنبانی از شاعران قرن ششم هجری است که به دلیل همنام بودن با رفیع‌الدین لنبانی معمولاً با او اشتباه گرفته می‌شود. علی میرافضلی در مقاله‌ای با عنوان «اشعار رفیع‌الدین عبدالعزیز لنبانی» تحقیق مفصّلی درباره او و اشعارش انجام داده است که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند. (نک: میرافضلی، ۱۳۹۱: صص ۱۹-۳۹) لازم به توضیح است اطلاعاتی که آزاد از دست‌نویس مورخ ۶۷۶ق. که اشعار عربی عبدالعزیز لنبانی در آنجا گرد آمده است، ارائه می‌دهد بسیار مهم است و باید به جست‌وجوی این دست‌نویس که در اختیار آزاد بوده است پرداخت.^۷

● صفحه ۴۴: نخست مطلع که اول چیزی که فرع آذان و مصافحه اذهان می‌کند، مطلع است.

به جای «فرع آذان» باید گفت «قرع آذان» (آزاد بلگرامی، همان جا: گ ۵ر). قرع به معنی کوبیدن، یا زدن در است آذان جمع اُذن به معنی گوش هاست و قرع آذان کنایه از شنیدن است.

● صفحه ۴۵: ز غایت کرم اندر کلام تو نی نیست / در اعتقاد تو ضد است «نون» مگر «ی» را

در مصراع دوم به جای «ی» باید «یی» نوشته شود. چه، «نی» با «ی» قافیه نمی‌شود و باید «یی» تلفظ شود تا قافیه درست شود؛ همچنین در دیوان انوری «یی»

ضبط شده است. (دیوان انوری، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲)
 ● صفحه ۴۶: و پسر شیخ دیباجه به عبارت عربی بر دیوان پدر نوشته ... حمد و صلواتش این است ...
 به جای «دیباجه» «دیباجه‌ای» صحیح است و به جای «صلواتش»، «صلوتش».
 (آزاد بلگرامی، همان جا: گ ۶ پ)

● صفحه ۴۷: روزی طغان شاه با احمد بدیهی نرد می‌بخت.
 در دست‌نویس *خزانة عامره* (همان جا) پس از «نرد» کلمه «هزاره» اضافه شده است. در چاپ سنگی نیز هزاره ذکر نشده است. نرد هزاره یکی از انواع بازی‌های نرد است.

● صفحه ۴۷: گر شاه سه شش خواست سه یک نقش افتاد / توطن نبری که کعبتین داد نداد

بیت از ازرقی است. در دست‌نویس *خزانة عامره* (گ ۷ ر)، به جای «داد»، «داو» ضبط شده که با توجه به مفهوم بیت صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در دیوان نیز «داد» ضبط شده است. (ازرقی، ۱۳۳۶: ص ۹۹)

● صفحه ۴۸: گر بشنود پلنگ سهیل کرنگ او / هر سال پوست از تن خود افگند چو بار «بار» در مصراع دوم غلط است؛ صورت صحیح «مار» است. (ازرقی، ۱۳۳۶: ۲۹) (با اختلاف)

● صفحه ۴۸: شاخ گیاه سبز شود کیمیای زر / گر نعل مرکب تو فشاند براو غبار در دست‌نویس شفیق به جای «فشاند»، «نشاند» ضبط شده است و در دیوان ازرقی «نشیند»^۸.

● صفحه ۴۸: شاخ گیاه سبز شود کیمیای زر / گر نعل مرکب تو نشاند براو غبار چه خوب تر ز پی هم رسید عید و بهار / نمود چهره خوش تر ز پار و از پیرار باتوجه به اختلاف وزنی که در این دوبیت وجود دارد، مطلع قصیده‌ای به‌عنوان مقطع قصیده قبلی آمده و به‌رغم تفاوت در وزن دو قصیده، به آن توجه نشده است. عجیب‌تر اینکه مصحح در پاورقی گفته است، بیت «چه خوب تر ز پی ...» در چاپ سنگی نیامده، درحالی‌که این بیت در آن چاپ نقل شده است.

● صفحه ۴۹: ز نسل آدم مشمارشان که بستانند / زمی خمار و ز طاوس پا و از گل خار بیت به‌صورتی که در این کتاب ضبط شده، معنای مشخصی ندارد، در دست‌نویس *خزانة عامره* (گ ۷ پ) به این صورت ضبط شده است:

ز نسل آدم مستایشان که نستایند / زمی خمار و ز طاوس پا و از گل خار
 در دیوان ازرقی بیت چنین ضبط شده است: (ازرقی، ۱۳۳۶: ص ۳۱)
 ز نسل آدم مشمارشان که نشناسند / زمی خمار و ز طاوس پای و از گل خار
 ● صفحه ۴۹: دشمنان تو نمی‌دانم کدامین مردم‌اند / چون خلیق یار می‌بینم تورا با میهمان

معنا و مفهوم مصراع دوم مبهم است؛ صورت صحیح باید این‌گونه باشد:

چون خلاق یا رهی بینم تو را یا میهمان

● صفحه ۵۰: این معنی نصب العین است، اما خود مسعود سعد سلمان از کبرای شعراست.

در هیچ‌یک از دست‌نویس‌ها، حتی در چاپ‌سنگی واژه «خود» نیامده و معلوم نیست این کلمه از کجا وارد متن شده است.

● صفحه ۵۱: ای نای دیده‌ام دل شاد از تو / نایی تو ولیکن عربده باد از تو

بیت از مسعود سعد سلمان است. در مصراع دوم بدخوانی عجیبی رخ داده است.

«عربده» در این جا هیچ معنایی ندارد و صورت صحیح این واژه «نرهد» است؛ همچنین در دیوان مسعود سعد (مسعود سعد، ۱۳۹۰: ص ۸۱۶) و دیگر دست‌نویس‌های *خزانه عامره* و حتی چاپ‌سنگی به جای «دل» در مصراع اول «دلی» ضبط شده است.

● صفحه ۵۱: تا آن‌که به شفاعت ثقة‌الملک مشکاتی از آن شکنجه نجات یافت.

شکل صحیح نام این فرد «ثقة‌الملک مشکانی» است. او همان خواجه طاهر بن علی مشکانی برادرزاده ابونصر منصور بن مشکان (متوفی ۴۳۱ق.) معروف به بونصر مشکان است. (در مورد وی نک: مهیار، ۱۳۹۰: ص، ۳۸)

● صفحه ۵۲: ... گذرانیدن تمام عمر او در هندوستان و وجود هر دو خواهر مسعود که دختران سعد باشند...

عبارت «هر دو» نه در دست‌نویس‌ها و نه در چاپ‌سنگی *خزانه عامره* نیامده است؛ ظاهراً خود مصحح آن را به متن افزوده است.

● صفحه ۵۲: أيا ذنَّبَ البَّرْحانِ في الجَوِّ طالِعاً / فَهَلْ مُمَكِّنُ الغَزالَةَ تَطَلَّعُ

در مصراع دوم بعد از کلمه «ممکن» حرف «أَنَّ» افتاده است؛ بنابراین صورت صحیح مصراع دوم چنین خواهد بود: فهل ممکن أن الغزالة تطلع؛ همچنین، در دیوان نیز به جای «ایا» در مصراع اول، «آری» نوشته شده است. (مسعود سعد، ۱۳۹۰: ص ۷۴).

● صفحه ۵۳: برین که تا نرسد بر تو تابش خورشید / کشید چرخ مظلّه ز گونه‌گونه بحار
در مصراع دوم «بحار» غلط است، واژه درست «بخار» است (همان: ص ۲۴۳). در مصراع اول اکثر نسخ *خزانه عامره* به جای «برین»، «ببین» ضبط کرده‌اند، ولی در دیوان مسعود سعد «بدان‌که» آمده است. باید توجه داشت آزاد ابیات مسعود سعد را از روی دست‌نویسی با تاریخ ۶۷۶ق. نقل کرده که در این صورت می‌توان گفت این دست‌نویس از قدیمی‌ترین دست‌نویس‌های اشعار مسعود سعد است که متأسفانه فعلاً اطلاعی از آن نداریم.

● صفحه ۵۵: که از نهیب مرا کم شده چو ماران پای / گهی به حرص برآمد مرا چو موران پر

با توجه به مصراع دوم در مصرع اول به جای «که»، «گه» صحیح است، همچنین هم در دیوان مسعود سعد و هم در دست‌نویس شفیق به جای «کم»، «گم» نوشته شده است.

- صفحه ۵۸: آثار اردیبهشت از وجود او نمایان است و ریاض درویشی و فضیلت شاعری از فیوض او. زمان آغاز حال در سرکار شاهرخ ...
- در این سطر نیز بدخوانی رخ داده است. می بایست به جای «زمان»، «رئان» نوشته شود تا معنی درست شود. رئان در این جا به معنی سیراب است.
- صفحه ۶۱: گوهر کان ز بحر سید ماست / از فشار مسلحه پیداست
- در مصراع دوم به جای «مسلحه»، «مسیلمه» صحیح است. این بیت آذری طوسی اشاره دارد به ادعای دروغین مسیلمه مبنی بر پیامبر بودنش در زمان پیامبر اکرم (ص) و تقلید از قرآن کریم. فشار در مصراع دوم به معنای بیهوده‌گویی و هذیان گفتن است. (دهخدا)
- صفحه ۶۲: مرا ز نان جو خویش چهره کاهی / به که از شراب حریفان سفله گلناری
- در این بیت که از امیدی رازی است، «به» که بخشی از مصراع اول است، به ابتدای مصراع دوم منتقل شده و هم وزن را به هم ریخته و هم معنی را. صورت صحیح بیت این است:
- مرا ز نان جو خویش چهره کاهی به / که از شراب حریفان سفله گلناری
- صفحه ۶۲: اگر کنی از برای جهود کئاسی / و گر کنی از برای مجوس گلکاری
- در مصراع دوم به جای «از» باید «ز» آورد.
- صفحه ۶۳: میرزا شرف جهان خلف قاضی جهان سیفی فروتنی است ...
- «فروتنی» غلط است، «قزونی» می بایست نوشته شود.
- صفحه ۶۳: مخفی نماند که هنگامه آرابی سخن طرازی، شیخ سعدی شیرازی ...
- به جای «هنگامه آرابی»، «هنگامه آرای» باید نوشت.
- صفحه ۶۳: خوش آن زمان که به رویش نظر نهفته کنم / چو سوی من نظر بکرد او، بگردانم
- بیت از شرف جهان قزونی است. معلوم نیست چرا مصحح مصراع دوم را به این صورت نقل کرده است. در بیشتر نسخ و حتی در چاپ سنگی، مصراع دوم چنین ضبط شده: چو سوی من نگرد او نظر بگردانم
- این مصراع نیز ظاهراً از اصلاحات مصحح است. با تغییری که ایشان در متن داده‌اند، وزن مصراع به هم خورده است.
- صفحه ۶۵: خوش آن شب که ما را با رقیبان گفت و گو می شد / تو هم در بزم ننشستی و با ما آمدی بیرون
- در این بیت شرف جهان قزونی، به جای «گفت و گو می شد»، «گفت و گویی شد» صحیح است.
- صفحه ۶۶: در حاشیه در توضیح اندری نوشته‌اند: «در لغت نامه دهخدا فقط توضیح زیر یافت شد که احتمالاً ربطی به شهر مذکور در متن ندارد: اندری منسوب به اندر که دهی است قریب حلب».
- گفتنی است اندری قصبه‌ای است در ایالت هاریانا در کرنال هند.

● صفحه ۶۶: در سرکار خیراندیش خان کنبوه عالمگیری ساکن میرت که به حکومت اتاوا می‌پرداخت رفته ...

در اکثر نسخ و هم در چاپ سنگی «میرتهه» به جای «میرت» ضبط شده که نام شهری است در شمال غربی ایالت اوتارپرادش و ۷۰ کیلومتری دهلی. قبل از «اتاوا» نیز کلمه «چکله» جا افتاده است؛ «حکومت چکله اتاوا» صحیح است (آزاد بلگرامی، دست‌نویس خزانه عامره، گ ۱۵ر). در چاپ سنگی نیز عبارت «چکله اتاوا» نوشته شده است.

● صفحه ۶۷: فقیر مردم فنجابی را فناجبه و مردم فوری را فواریه می‌نویسد.

در اکثر نسخ و نیز در چاپ سنگی «فوری» و «فواربی» نوشته شده است.

● صفحه ۶۸: و چون از بلاد سند عطف عنان نمودم ... وارد لاهور شدم ... ملاقات مشار الیه به هرات دست داد.

صحبت از شاه آفرین لاهوری است که زادگاه و محل زندگی او لاهور بود و آزاد چند بار او را در آن شهر ملاقات کرد؛ از جمله در سال ۱۱۴۷ق.؛ بنابراین آفرین لاهوری در هرات چه می‌کند؟ صورت درست این واژه، یعنی «هرات»، «مرآت» است. یعنی چند بار او را در آن سال (۱۱۴۷ق.) ملاقات کردم.

● صفحه ۶۸: روزی نصرت‌خان خلف خان جهان بهادر، در حویلی داراشکوه، واقع لاهور به طریق سیررفت ...

در دست‌نویس خزانه عامره (گ ۱۵پ) به جای «نصرت‌خان»، «نصیری‌خان» ضبط شده است. در اکثر نسخ خزانه عامره حتی دست‌نویس مورد استفاده مصحح نیز «نصیری‌خان» آمده، فقط در چاپ سنگی به صورت «نصیرت‌خان» ذکر شده است. در همان صفحه این اسم دوبار تکرار شده و مصحح همان صورت غلط «نصرت‌خان» را ذکر کرده است؛ چه، در مآثر الامرا از محمد سمیع خوافی معروف به نصیری‌خان (متوفی ۱۱۵۵ق.) فرزند میر ملک حسین خوافی معروف به خان جهان بهادر ظفرجنگ کولکناش (متوفی ۱۱۰۹ق.) نامی به میان آمده و اطلاعاتی درباره خودش و پدرش ارائه شده است. (صمصام الدوله، ۱۸۸۸: ص ۸۰۶)

● صفحه ۶۸: روزی ملا محمد سعید اکبرآبادی که در آن وقت تازه وارد لاهور شده بود ... کلمه «تازه» در هیچ‌یک از دست‌نویس‌های خزانه عامره نیامده، حتی در چاپ سنگی هم این واژه ذکر نشده است؛ بنابراین این کلمه هم از افزوده‌های مصحح به متن است.

● صفحه ۷۱: روز با ما شام با تردامنان مانند گل / شب نشینم همنشین صبح‌آشنای عندلیب

بیت از آفرین لاهوری است. در مصراع دوم به جای «نشینم»، باید نوشت «به‌شبنم». این اشتباه از چاپ سنگی وارد این کتاب شده است. مصراع دوم به این صورت معنایی ندارد؛ صورت درست مصراع این‌گونه است:
شب به شبنم همنشین، صبح‌آشنای عندلیب

● صفحه ۷۹: بنا بر دفع الوقت که مثل عهد شاه عالم بی پرو و بال مطلق شده نشیند، حکومت مرادآباد از پیشگاه خلافت برگرفت...
 «نشیند» غلط است، فعل باید «نشیند» باشد. در چاپ سنگی نیز «نه نشیند»، نوشته شده است.

● صفحه ۷۹: در موضع حسن پور سرکار هند به ظفر یافت و به برهانپور معاودت نمود.
 «هند به» غلط است. صورت درست این موضع «هندیه» است. هندیه نام جایی است در جنوب مالوه و هم اکنون بخشی از ایالت مادیاپرادش است.

● صفحه ۸۱: در سنهٔ سبع و خمسین و مائه و الف [۱۱۵۷] قلعهٔ کلکنده از توابع حیدرآباد محاصره کرده، از دست معزی خان دکنی به حوزهٔ تسخیر درآورد...
 در اکثر نسخ و از جمله در چاپ سنگی، به جای «کلکنده»، «بالکنده» نوشته شده است و معلوم نیست چرا مصحح چنین تغییری در ضبط نام این قلعه داده است. همچنین نام صحیح این حاکم «مقرب خان» است، نه «معزی خان». در چاپ سنگی نیز مانند همهٔ نسخ «مقرب خان» نوشته شده و مصحح آن را به غلط «معزی خان» خوانده است. مقرب خان (وفات ۱۱۵۸ ق.) فرزند امین خان بهادر دکنی است. وی در جنگی سرپدرش را از تن جدا کرد و به منصب چهارهزاری رسید (در مورد وی و کارهایش نک: صمصام الدوله، ۱۸۸۸: ۳ / ۷۹۶-۸۰۱).

● صفحه ۸۱: و آبادی نظام آباد بالای کتل مزداپور که در ویرانهٔ محض آبادی طرح انداخت...

«مزداپور» صحیح نیست و «فرداپور» باید نوشته شود. در چاپ سنگی نیز «فرداپور» نوشته شده است. فرداپور نام جایی است در جنوب اورنگ آباد.

● صفحه ۸۲: طرح کاشانه ما ریختهٔ رنگ فناست / عرق آلوده رود نیل ز ویرانهٔ ما به جای «نیل»، «سیل» باید نوشته شود. در چاپ سنگی نیز «سیل» نقل شده است.

● صفحه ۸۲: الا در این عصر که قوم مرهته در ممالک فسیح المسالک هندوستان عجب کارها کردند.

«فسیح الممالک» اشتباهی است که از چاپ سنگی وارد این تصحیح شده و مصحح بدون در نظر گرفتن معنی، آن را به همین صورت غلط ضبط کرده است. صورت صحیح «فسیح المسالک» است. فسیح به معنای گسترده و بزرگ است.

● صفحه ۸۵: فرمان پادشاهی مشتمل بر عفو جرائم به نام او صادر شد و سیتا پسرش به منصب پنج هزاری سرفرازی یافت.

در غالب دست‌نویس‌ها به‌ویژه دست‌نویس شفیق (گ ۲۱ پ)، به صورت «سنا» نوشته شده و در چاپ سنگی نیز همه جا «سینا» نوشته شده است. در هیچ دست‌نوشته‌ای و حتی در چاپ سنگی «سیتا» نوشته نشده است.

● صفحه ۸۵: به این شرط که هر صد از محصول ملکی، نه روپیه به صیغه سردلسیمکھی حصه غنی ام مقرّر شود.

باید گفت، به جای «هر»، «سر» درست است. در چاپ سنگی نیز «سر» نوشته شده و مصحح به غلط آن را «هر» خوانده است. چند سطر پایین تر نیز گفته شده است: «در عهد شاه عالم هر صد، ده روپیه...» در این جا نیز باید «سر» نوشته شود. «سرصد» یعنی «از هر صدتا». در مورد سردلسیمکھی نیز باید گفت مصحح در پاورقی نوشته است: «این کلمه در سطور بعد هم در چند جا تکرار شده، به صورت «سردیسیمکھی»، «سرویسملکی»، «سردیسهگھی» نیز نوشته شده است»

باید گفت صورت درست همان «سردیسیمکھی» است که در همه نسخ از جمله در چاپ سنگی نیز به همین صورت نوشته شده و بنده صورت های دیگرش (سرویسملکی، سردیسهگھی و سردلیسمکھی) را که مصحح به آن اشاره کرده در جایی نیافتم.^۹

● صفحه ۸۵: احسن خان عرف میرپلنگ را... نزد غنی ام فرستاد در غالب نسخ و در چاپ سنگی نیز، «میرملنگ» نوشته شده است، نه «میرپلنگ»؛ این مورد نیز از بدخوانی های مصحح است.

● صفحه ۸۶: ذوالفقارخان و داودخان نبی را نیابت خود داده، در دکن واگذاشت. اولاً در دست نویس خزانه عامره (گ ۲۲ پ) «واو عطف» بین دو اسم نیست و همچنان که از متن برمی آید ذوالفقارخان داودخان را نایب خود در دکن قرار داده است؛ ثانیاً «داودخان نبی» درست نیست و نام صحیح وی «داودخان پنی» است. گفتنی است در چاپ سنگی نیز اصلاً «داودخان نبی» ضبط نشد، در آنجا «داودخان بنی» نوشته شده است. داودخان پنی (مقتول ۱۱۲۷ ق.) فرزند خضرخان پنی از امرای عهد عالمگیر پادشاه، شاه عالم بهادر و جهاندارشاه بود (نک: آزاد بلگرامی، ۱۹۱۳: صص ۱۹۵، ۱۹۴).

● صفحه ۱۶۵: طالب آملی و ابوطالب کلیم همدانی و قدسی مشهدی و میرزا عنایت اصفهانی و دیگر جماعت لاتعدو و لاتحصی که تاریخ نامه ها مفصل تصریح می کند. در همه نسخ به جز چاپ سنگی به جای «میرزا صائب»، «میرزا عنایت اصفهانی» نوشته شده و این اشتباه از چاپ سنگی وارد کتاب مورد بحث ما نیز شده است.

● صفحه ۱۶۶: میرزا عبدالغنی قبول کشمیری و میرزا مظهرجان خان و بعضی معاصرین این ها شاهد سخن را بر کرسی بالاتر نشانند.

صورت درست نام این شخص «میرزا مظهر جان جانان» است، نه «میرزا مظهرجان خان». این اشتباه نیز از چاپ سنگی وارد کتاب شده است.

● صفحه ۱۷۲: معنی موتم الاشبال، یتیم کننده شیربچه ها؛ چون اکثر شکار می کرد به این لقب ملقب گشت.

در این عبارت یک کلمه جا افتاده است. باید می نوشت «چون اکثر شکار شیر می کرد به این لقب ملقب گشت».

- صفحه ۱۷۲: پنجم صنوف کمالات را حاوی شیخ عبدالوهاب طبطاوی ...
«طبطاوی» غلط است. نام وی «عبدالوهاب طنطاوی» است. (در مورد وی نک: آزاد بلگرامی، ۱۹۱۰: ص ۱۴۳)
- صفحه ۱۷۴: از ثناگستری ارباب دول قدر جزویی نیندوخته، مگر وقتی سازراه آخرت نواختم و رباعی را نوشته، سیبل بیت الله ساختم.
به جای «جزویی»، «خردلی» باید نوشت و به جای «نوشته»، «توشه». اولی نتیجه بدخوانی مصحح است و دومی اشتباهی است که از چاپ سنگی وارد کتاب شده است.
- صفحه ۱۷۵: بده در دست زنگار هوس آئینه دل را / ز حسن خویش کن آباد، حیرت خانه ما را
کاملاً مشخص است که «بده» در ابتدای این بیت نمی تواند درست باشد. صحیح «مده» است.
- صفحه ۱۷۵: ظلّ هما عجب که پسند است شاه را / بر سر گرفته است پلاس سیاه را
در هیچ نسخه ای حتی در چاپ سنگی «پلاس» نیامده و «بلا سیاه» نوشته شده است.
- صفحه ۱۷۶: تسخیر دل نمود به طوری که داده راه / هر چند خردسال بود پادشاه ما
به جای «داده راه» مصحح باید می نوشت «واه واه». در همه نسخ و نیز چاپ سنگی «واه واه» آمده است.
- هست ظاهر که خودآرایی ناقص بی جاست / سرمه در دیده عور چه قدر ناساز است
در همه نسخ به جای «ناساز»، «نازیبا» نوشته شده است جز در چاپ سنگی.
- صفحه ۱۷۸: چون درختی که دواند به زمین ریشه شاخ / زلف آن سرو ته خاک مرا
می جوید
در تمامی نسخ به جز چاپ سنگی «ریشه ز شاخ» ضبط شده است. صفحه ۱۷۹:
کجا نصیب که چینم ز بستانش / غنیمت است مرا نکهت گلستانش
در مصراع اول کلمه «گلی» بعد از «چینم» افتاده است؛ مصراع باید چنین باشد:
کجا نصیب که چینم گلی ز بستانش
- صفحه ۱۸۴: و همچنین در بیت شیخ جمال خجندی ...
«شیخ کمال خجندی» درست است. در چاپ سنگی نیز که کشکولی از اغلاط اعلام خاص است این بار درست نوشته است، ولی باز معلوم نیست چرا مصحح چنین اشتباه فاحشی را مرتکب شده است.
- صفحه ۱۸۵: از او حکایت و اسوختن به من بکند / نه سوخته است چنانم که وا توانم
سوخت
مصراع اول با فعل «بکند» هیچ معنایی ندارد. باید به جای آن «نکنید» نوشته شود تا معنی بیت درست شود. در دست نویس خزانه عامره (گ ۷۷ ر) «مکنید» ضبط شده است.

● از ولی خارق‌ی که مسموع است / معجز آن نبی ینبوع است

بیت از سلسله الذهب جامی است. در همه نسخه «متبوع» نقل شده که صحیح است. در چاپ سنگی نیز اصلاً «ینبوع» ذکر نشده، بلکه به غلط «یتبوع» نوشته شده است.

● صفحه ۱۸۹: و بر دقت شناسان پوشیده نیست که در بیت ...

در هیچ نسخه‌ای حتی در چاپ سنگی «دقت شناسان» نوشته نشده است، بلکه صورت درست آن، یعنی «وقت شناسان»، ضبط شده است.

● صفحه ۱۹۱: مدخول لفظ عجب و طرفه بی با مستعمل نمی شود.

«بی با» غلط است. باید می نوشت «بی یا». آزاد این جمله را از موسوی خان جرأت نقل کرده که معتقد است برای مدخول الفاظ عجب و طرفه باید «یا» اضافه کرد، نظیر عجب هوش ربایی. ولی آزاد با ذکر نمونه‌هایی این نظر جرأت را قبول ندارد.

● صفحه ۱۸۹: موسوی خان ز کلک گوهر بار / آبرو داد شهر و انشا را

به جای «شهر» باید می نوشت «شعر».

یکی از معایب عجیب این کتاب این است که در نقل ابیات شعرا، بسیاری از قطعات و رباعی‌ها با عبارت «وله» از هم جدا شده‌اند؛ به عنوان مثال در بین این دو بیت یک رباعی:

ای همنشین رقیب من زار بوده‌ای / من غافل و تو نیز گرفتار بوده‌ای

گر داده‌اند بار به بزمش تو را مناز / چون آگهم که بر دل او بار بوده‌ای

در این رباعی، مصحح عبارت «وله» را ذکر و از این رباعی دو بیت مجزا کرده است!

یا در برخی موارد، مصحح با قید عبارت «وله» در لابه‌لای قطعات چند بیتی آن‌ها را به چند تک‌بیت تبدیل کرده است. در مواردی نیز برعکس عمل کرده است، یعنی در جایی که لازم بوده عبارت «وله» را قید کند، این عبارت را نیاورده و از این رو ابیات قصاید و قطعات و رباعیات مختلف با همدیگر خلط شده است. از هر دو نمونه در این متن به وفور یافت می‌شود؛ مثلاً در صفحات ۵۰، ۶۰، ۶۴، ۶۵، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲ و غیره.

ایراد عجیب دیگر در جابه‌جایی مصراع‌های ابیات است. به عنوان مثال در صفحه ۱۷۶ این دو بیت از یک قطعه:

کردم بسان سنگ فسان طرفه رقص‌ها / روزی که تیغ قاتل من بر فسان گذشت

با من نسیم صبح حدیث صحیح گفت / بیمار شد کسی که برین گلستان

گذشت

در این جا ترتیب مصراع‌ها به هم خورده و مصراع دوم و سوم جابه‌جا شده‌اند؛ در حالی که در چاپ سنگی نیز ترتیب مصراع‌ها درست است. این ایراد در صفحه ۱۷۷ نیز تکرار شده است.

مواردی که در این یادداشت به آن‌ها پرداختیم، گزیده‌ای بود از ایرادات و اشکالات مقدمهٔ مصحح و متن *خزانهٔ عامره* تا انتهای حرف الف. البته برای پرهیز از اطالهٔ کلام از ذکر بسیاری از ایرادات صرف نظر کردیم؛ مثلاً عبارات و ابیات عربی و ترجمهٔ آن‌ها که اشکالات بسیاری داشت در این جا بیان نشده است. همچنان که ملاحظه می‌شود این تصحیح به این صورتی که ارائه شده قابل اعتماد نیست و هیچ فایده‌ای برای خوانندگان و مخاطبان کتاب ندارد.

دسترسی نداشتن مصحح به دست‌نویسی مضبوط و صحیح از اثر، کم‌دقتی مصحح در خواندن دست‌نویس‌های موجود که خود آن دست‌نویس‌ها نیز مشحون از ایراد و اشکال است، و مراجعه نکردن به منابع جنبی، به‌ویژه منابع تاریخی، برای تحقیق دربارهٔ اعلام خاص از اصلی‌ترین ایرادهای این تصحیح محسوب می‌شود. امید است در صورتی که مصحح قصد تجدید چاپ این کتاب را دارد، به این موارد توجه کند.

منابع

- آزاد بلگرامی، میرغلام‌علی، ۱۸۷۱ق.، *خزانهٔ عامره*، کانپور، مطبعهٔ نولکشور.
- کتابت شده در ۱۱۷۷ق.، *خزانهٔ عامره*، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مرکز میکروفیلم نور، به خط لجهمی ناراین شفیق اورنگ‌آبادی، کتابت شده در اورنگ‌آباد، بدون شماره.
- کتابت شده در ۱۱۸۲ق.، *خزانهٔ عامره*، نسخهٔ خطی موزهٔ بریتانیا، کتابت شده در اورنگ‌آباد، شمارهٔ ۶۸۵.
- ۱۹۱۳م.، *سرو آزاد*، به اهتمام عبدالله خان، حیدرآباد، کتابخانهٔ آصفیه.
- ۱۳۸۲ش.، *غزلان الهند* (به اشتباه روی جلد غزالان الهند نوشته شده است)، تصحیح سیروس شمیسا، تهران، صدای معاصر.
- ۱۹۱۰م.، *مآثرالکرام [فی] تاریخ بلگرام*، حیدرآباد.
- ازرقی هروی، ابوبکر، ۱۳۳۶ش.، *دیوان*، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی زوّار.
- انوری ابیوردی، علی بن محمد، ۱۳۷۲ش.، *دیوان انوری*، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن عباس، ۱۳۸۴ش.، *احوال و آثار میر غلام‌علی آزاد بلگرامی*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۶۴ش.، *فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*، جلد ۱۷، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، ۱۳۷۱ش.، «نمونه‌ای از نقدالشعر گذشتگان (برگرفته از *خزانهٔ عامره* آزادبلگرامی)»، معارف، مرداد.آبان، شمارهٔ ۲۶، صص ۲۵-۴۴.
- صمصام الدوله، شاهنوازخان، ۱۸۸۸م.، *مآثر الامرا*، به تصحیح مولوی عبدالرحیم، کلکته، انجمن آسیایی بنگال.
- فتوحی، محمود، ۱۳۷۹ش.، *نقد خیال*، تهران، نشر روزگار.

- گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۳ش.، **تاریخ تذکرة‌های فارسی**، تهران، انتشارات سنایی.
- مدرس، میرزا محمدعلی، ۱۳۶۹ش.، **ریحانة الادب**، تهران، بی نا.
- مسعود سعد سلمان، ۱۳۹۰ش.، **دیوان**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد مهیار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهیار، محمد، ۱۳۹۰ش.، **مقدمه دیوان مسعود سعد سلمان**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرافضلی، علی، ۱۳۹۱ش.، «اشعار رفیع‌الدین عبدالعزیز لنبانی»، **متون ایرانی، دفتر سوم**، به کوشش جواد بشری، انتشارات مرکز اسناد، تهران، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صص ۱۹-۴۰.
- نقوی، سید علیرضا، ۱۳۴۳ش.، **تذکرة نویسی در هند و پاکستان**، تهران، انتشارات علمی.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۲۵ش.، **مقدمه مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة**، عزالدین محمود بن علی کاشانی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- Ethe, Hermann, 1903 Catalogue of Persian Manuscripts in Library of The India Office, Oxford.

فصلنامه نقد کتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۸۳

پی‌نوشت‌ها

۱. این تذکرة مهم را انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام‌آباد و در سه جلد منتشر کرده است؛ جلد اول در سال ۱۳۸۳ش. به کوشش زیب‌النسا سلطانعلی؛ جلد دوم به تصحیح مهر نور محمدخان و با همکاری زیب‌النسا سلطانعلی در سال ۱۳۸۵ و جلد سوم در همان سال به کوشش سرفراز ظفر و با همکاری زیب‌النسا سلطانعلی. متأسفانه این چاپ اغلاط زیادی دارد، مثلاً ختازی نیشابوری، خیاری نیشابوری معرفی شده است و قس علی‌هذا. همچنین در مورد ارزش‌های **خزانه عامره** از لحاظ نقد ادبی بنگرید به: فتوحی، ۱۳۷۹: صص ۳۲۴ - ۳۵۰؛ ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، ۱۳۷۱: صص ۲۵ - ۴۴.
۲. البته بعضاً از شعرایی نام می‌برد که مدحی در اشعارشان دیده نمی‌شود، ولی آزاد به دلایلی که ذیل مدخل مربوطه بیان می‌کند، از آوردن اسامی آن‌ها چاره‌ای نداشته است. این اسامی از این قرار است: ثابت‌الله‌آبادی، زلالی خوانساری، شیخ جمالی دهلوی، بیدل، بیخبر بلگرامی و میرزا ابوتراب
۳. تصحیحات دیگر عبارت‌اند از: تصحیح دکتر ناصر نیکوبخت و تشکیل اسلم‌بیگ براساس دو دست‌نویس که یکی از آن‌ها، یعنی دست‌نویس موزه بریتانیا از اعتبار خاصی برخوردار است و چاپ‌سنگی ۱۸۷۱م. که در سال ۱۳۹۰ش. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آن‌را منتشر کرد. دیگری تصحیحی است که دکتر هومن یوسفدهی بر اساس چند دست‌نویس مهم و معتبر در قالب رساله دکتری به انجام رسانده و انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی آن‌را منتشر خواهد کرد.

۴. متأسفانه ما به اصل دست‌نویس دسترسی نداریم و در فهرست نسخه‌های دانشگاه تهران نامی از کاتب برده نشده است. (دانش‌پژوه، ۱۳۶۴: جلد ۱۷، ص ۸).
۵. شفیق خود از ادبای مطرح آن دوره بود و صاحب آثار مهمی است چون تنمیق شگرف، مآثر آصفی، بساط الغنائم، چمنستان شعرا، گل رعنا و شام غریبان.
۶. پژوهشگر ارجمند، جناب آقای دکتر هومن یوسفدهی از راه لطف تصویری از این دست‌نویس را در اختیار نگارنده قرار دادند، که همین‌جا از لطف ایشان صمیمانه سپاسگزارم.
۷. به جز اشعار عبدالعزیز، اشعار فارسی ابوالفرج رونی، انوری، شمس طبسی، ظهیر فاریابی و ناصر خسرو نیز در آن آمده است که با توجه به تاریخ کتابت دست‌نویس، بسیار مهم است. به‌ویژه در خصوص اشعار فارسی ناصر خسرو و انوری که ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه دیوان آن‌ها محسوب می‌شود.
۸. لازم به توضیح است ضبط این بیت در دیوان ازرقی خالی از ایراد نیست. در دیوان آمده: شاخ گیای زرد شود کیمیای زر/ کز نعل مرکب تو نشیند برو غبار. درحالی‌که با توجه به بیت قبلی، کان شیشه بلور شود در مسام سنگ/ گر رأی روشن تو کند بر فلک مدار، «کز» در مصراع دوم درست نیست و می‌بایست «گر» نوشته شود.
۹. سردیس‌مکھی مالیاتی است که پادشاهان تیموری در دوره اورنگ زیب و ظاهراً بعد از آن به مرهته دکن می‌دادند. ●